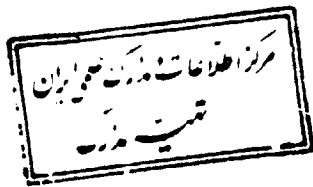


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳۷۸ / ۵ / ۲۰



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله برای دریافت درجه دکتری علوم سیاسی
(گرایش اندیشه سیاسی)

قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام

(دوره میانه)

استاد راهنما

۳۵۲۴/۲

دکتر محمد رضوی

اساتید مشاور

دکتر حسین بشیریه

آیة الله عمید زنجانی

نگارش: داود فیروزی

۱۳۷۸

۲۹۳۱۰

به روان پاک پدر و مادرم.
آنانکه چون شمع سوختند
و مرا پرسیدن آموختند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۲	۱- طرح مسئله
۳	۲- اهمیت موضوع
۴	۳- روش پژوهش (ایده‌های نظری)
۱۰	۴- سؤال اصلی
۱۱	۵- مفاهیم پژوهش
۱۱	۵-۱) نصوص دینی
۱۲	۵-۲) دانش (دانش سیاسی)
۱۳	۵-۳) قدرت
۱۴	۵-۴) مشروعیت
۱۵	۶- فرضیه اصلی و جانشین
۱۷	۷- منابع پژوهش
۱۸	۸- سازماندهی تحقیق

بخش اول

قدرت و دانش؛ چهارچوب نظری

۲۰	فصل اول؛ مسأله روش
۲۱	۱. وحدت و تکثر
۲۸	۲. سنت و تجدد
۲۹	۱- روش شرق شناسی
۳۳	۲- فهم سنتی از سنت
۳۷	خصایص صوری سنت
۳۹	خصایص ماهوی سنت
۴۶	۳. نصوص دینی و گفتمان سیاسی
۴۹	مفهوم نص
۵۱	۴. تحلیل گفتمانی
۵۴	مفاهیم اساسی گفتمان
۵۵	۱- گفتمان و مفصل بندی
۵۵	۲- ضدیت و بیگانه سازی
۵۶	۳- سلطه
۵۷	۴- گفتمان و سیاست
۵۸	۵- گفتمان و قدرت
۶۳	پی نوشت های فصل اول
۶۸	فصل دوم؛ قدرت و دانش در اندیشه اسلامی
۶۹	۱. دانش سیاسی و عقل عملی
۹۵	۲. اصالت و تقدم دانش بر قدرت
۱۱۰	۳. تقدم قدرت بر دانش
۱۲۸	پی نوشت های فصل دوم

بخش دوم

ساخت و روابط قدرت در دوره میانه

فصل سوم؛ تبارشناسی قدرت در دولت اسلامی ۱۳۸

۱. تبارشناسی قدرت: اسلام و غرب ۱۳۹

قبیله عرب و شهر یونان ۱۴۵

۲. مدینه الرسول (ص)؛ وحی و قبیله ۱۵۲

پی نوشت‌های فصل سوم ۱۶۴

فصل چهارم؛ خلافت قریش ۱۶۷

۱. خلافت مدینه؛ بحران جانشینی ۱۶۸

انصار ۱۷۱

بنی هاشم ۱۷۵

مهاجرین ۱۷۷

۲. خلافت اموی؛ گسترش دولت عرب ۱۹۵

(۱) ولایت عهدی ۱۹۹

(۲) خراج و املاک سلطانی ۲۰۱

(۳) ساخت جدید قدرت ۲۰۳

۳. بنی عباس؛ تحوّل در سنت ایرانی ۲۰۹

(۱) تحوّل در ساخت قدرت ۲۱۱

(۲) نهاد وزارت ۲۱۹

پی نوشت‌های فصل چهارم ۲۲۶

فصل پنجم؛ سلطنت اسلامی ۲۳۴

۱- زور و تغلب ۲۴۷

۲- حفظ شریعت ۲۵۱

۲۵۵	۳- تقدیرگرایی
۲۶۱	پی نوشت های فصل پنجم

بخش سوم

دانش سیاسی در تمدن اسلامی

۲۶۸	فصل ششم؛ فقه سیاسی اهل سنت
۲۶۹	۱- رابطه زبان و اندیشه
۲۷۳	۲- شافعی؛ روش شناسی فقه سیاسی
۲۷۴	عناصر منظومه شافعی
۲۷۵	۱- قرآن
۲۷۹	۲- سنت
۲۸۱	۳- جایگاه اجماع در فقه سیاسی
۲۸۳	۴- قیاس / اجتهاد
۲۸۶	۳- اشعری؛ مبانی کلامی دانش سیاسی
۲۸۷	۱- تقدم نقل بر عقل
۲۹۰	۲- فعل انسان و مسئله «کسب»
۲۹۱	۳- عدالت صحابه
۲۹۲	۴- تصویب در اجتهاد
۲۹۵	۴- دستاوردها و نتایج
۲۹۶	۱- کژتابی و گزیده بینی در فقه سیاسی
۳۰۱	۲- باز تولید اقتدار
۳۰۵	۳- دغدغه مشروعیت
۳۰۹	پی نوشت های فصل ششم

۳۱۴	فصل هفتم؛ فقه سیاسی شیعه
۳۱۵	۱. بنیاد دوگانه
۳۲۱	۲. امامت و اجتهاد در اندیشه اخباریه
۳۲۴	۳. تفاوت‌های معرفت‌شناختی میان اخباریه و اصولیان
۳۳۱	۴. عقل و سیاست؛ تکوین عقل سیاسی شیعه
۳۳۶	۵. روش‌شناسی اجتهاد در دوره غیبت
۳۴۵	۶. ماهیت اجتهاد
۳۴۹	(۱) اجتهاد الظن
۳۵۱	(۲) عقل‌گرایی
۳۵۴	مفهوم عقل
۳۵۷	(۳) خطاپذیری اجتهاد
۳۶۳	۷. دستاوردها و نتایج
۳۷۱	(۱) عمل و همکاری با سلطان
۳۷۴	(۲) اذن و مشروعیت سلطان
۳۷۷	۸. پیامدها و باز تولیدها
۳۸۲	پی‌نوشت‌های فصل هفتم
۳۹۲	فصل هشتم؛ فلسفه سیاسی
۳۹۳	۱. دانش تجملی
۳۹۹	۲. فارابی: اقتدار در شهر فیلسوف
۴۰۷	۳. سیاست فیلسوف در جامعه اسلامی
۴۱۱	۴. ابن‌سینا؛ سیاست و نبوت
۴۲۰	۵. پیامدها و نتایج
۴۲۷	پی‌نوشت‌های فصل هشتم
۴۳۰	خاتمه؛ خلاصه و برخی نتایج
۴۴۱	کتابنامه

سیاس و امتنان

این نوشته، اگر ارزشی در مجموعه تلاشهای تحقیقاتی داشته باشد، مدیون راهنمایی، همکاری و همدلی انسان‌های بسیاری است که بدون آنها، چارچوب این پژوهش نیز، هرگز شکل نمی‌گرفت. بسی خوشبختی است که انسان خود را در جمع این بزرگان فضل و دانش ببیند. شمار آنانکه به گونه‌ای سهمی در این اثر دارند، آنقدر زیاد است که ذکر نامشان در این مختصر نمی‌گنجد. اما وظیفه خود می‌دانم که به بهانه اتمام دوره تحصیلی «رسمی» خود در محضر این دانشمندان، بویژه نام اساتید گرانقدری را که در این مدت طولانی تحصیل مدیون آنان هستم، ذکر کنم و سپاسگزاری نمایم.

قبل از همه، بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌ها و زحمات بی‌شائبه استاد ارجمند جناب آقای دکتر رضوی تشکر کنم که با حوصله بسیار تمام مراحل این پژوهش را راهنمایی کردند و سخاوتمندانه یاریم فرمودند. از استاد گرانقدر آیه‌الله عمید زنجانی، و نیز، دانشمند و استاد گرانمایه جناب آقای دکتر بشیریه سپاسگزارم که ضمن قبول مشاوره این پژوهش، منت نهادند و با مطالعه دست نوشته‌های اینجانب، راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارزنده‌ای ارائه دادند و مرا از بسیاری خطاها و اشتباهات دور نمودند.

همچنین از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر نقیب‌زاده، دکتر سیدجواد طباطبایی، دکتر حسین سیف‌زاده، دکتر جواد شیخ‌الاسلامی و دکتر ناصر هادیان و دیگر اساتید دانشمند گروه علوم سیاسی که شاگردی در حضور آنان غنیمتی گرانمایه برای بنده است، تقدیر می‌کنم. لازم می‌دانم که از جناب آقای دکتر ابوالحسنی مدیر سابق گروه و جناب آقای دکتر احمدی مدیر کنونی گروه علوم سیاسی که پژوهش حاضر در زمان تصدی آنان انجام گرفته و به مساعدت آنان مراحل اداری را طی

کرده است قدردانی کنم.

فرصتی است که از همکاران شایسته خود در مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، بویژه زحمات جناب آقای آل غفور - رئیس مؤسسه - تقدیر نمایم. بی شک بدون کوشش و بردباری انسانهای نیکاندیشی چون او، هرگز بنای چنین «باقیات صالحات» در قم استوار نمی شد و چنین ذخائر علمی و انسانی فراهم نمی آمد. از دوستان مسئول کتابخانه، جناب آقای حسینی، جلیلی، جهانگیرزاده و عزیززاده و نیز آقای مدرسی، اعتمادی و دهقان در انتشارات و تکثیر سپاسگزاری می کنم. بخصوص از جناب آقای کریم تبار تشکر می کنم که بدون حوصله و پشتکار ایشان هرگز حروف چینی و نمودارهای این نوشته به این صورت مطلوب انجام نمی شد.

به گونه ای متفاوت، مدیون فداکاری های همسر و فرزندام هستم که همواره مشکلات تحصیل من در حوزه و دانشگاه را تحمل نموده اند و کوتاهی دائمی من از انجام وظایف خانوادگی را کریمانه نادیده گرفته اند. صفحات این نوشته را به همه شما تقدیم می کنم.

داود فیرحی

مقدمه؛

طرح تحقیق

۱- طرح مسئله

هر پرسشی، درباره «اندیشه و سیاست» در جامعه ما، نیازمند گفتگوی انتقادی با گذشته است. وضعیت کنونی تفکر و زندگی سیاسی در ایران خاستگاه دو گانه‌ای دارد؛ نخست، تاریخ اندیشه سیاسی در دوره اسلامی که با تکیه بر دانش سیاسی دوره میانه (سده‌های سوم تا هشتم هجری) به باز پرداخت ویژه‌ای از نصوص و شریعت اسلام می‌پردازد؛ و دوم، وجوهی از عقلانیت و تجربه سیاسی غرب، که طی دو سده اخیر، کم و بیش پذیرفته یا تحمیل شده است.

در این پژوهش، خصوصاً، به خاستگاه نخست نظر داریم و کوشش می‌کنیم با نقادی اندیشه و دانش سیاسی دوره میانه، تأملی در بعضی مختصات و زوایای ناروشن اندیشه و عمل امروز بنمائیم؛ تأکید ما بر سه مفهوم قدرت، دانش و مشروعیت خواهد بود.

برای کسانی که گذشته را جزئی از هویت امروز می‌دانند، نقادی وضع کنونی جز با ارزیابی مجدد چنان دانش و میراث سیاسی که فقط یکبار و در دوره میانه اسلام تأسیس شده و «سلطه مفاهیم» آن ذهنیت امروز را تعیین بخشیده است، ناممکن می‌نماید. افکار و سنن سیاسی این دوره، علی‌رغم فاصله افق، نه تنها امری منسوخ و تمام شده نیست، بلکه هنوز هم سرگرم شکل بخشیدن و به انجام رساندن خود است و به این دلیل که در متن سنتی از تفسیرها قرار دارد، بر فهم زمان حال تأثیر می‌گذارد. از این لحاظ، ارزیابی وضعیت جاری با نقادی این سنت تلازم دارد.

«تاریخ اکنون» ایران و اسلام، مدتی است که مورد توجه و تعلق روشنفکرانه قرار گرفته، و بی‌تردید، دیدگاه‌های گوناگونی نیز، طرح شده است. اما نگاه ما زاویه خاصی دارد؛ کوشش ما در ارزیابی وضعیت جاری، ناظر به نقادی آنگونه «عقلانیت سیاسی» است که در قالب جریانهای

مختلف اندیشه سیاسی در دوره میانه تأسیس شده و با نسبت خاصی که بین دستگاه قدرت و مفاهیم مشروعیت بر قرار کرده بود، ظهور تفسیر خاصی از نصوص دینی را فراهم نمود. مهمترین ویژگی این نوع عقلانیت و دانش سیاسی، گزیده بینی و کژتابیهای آن نسبت به نصوص دینی و گذشته اسلامی است. نظریه‌های سیاسی این دوره که در صدد تفسیر و کشف معنای «نصوص» و «گذشته آرمانی» اسلام هستند، غالباً، ماهیت اقتدار گرایانه دارند. و بگونه‌ای شگفت‌انگیز، هم بیشتر از نصوص و گذشته سخن می‌گویند و هم کمتر. چرا چنین است؟ این نظریه‌ها از کجا آمده‌اند؟ چگونه تدوین شده‌اند؟ چگونه عمل می‌کردند؟ و چه نقش و سلطه‌ای در زندگی ما دارند؟ این پژوهش به بررسی مسائل فوق در قالب سه مفهوم قدرت، دانش و مشروعیت می‌پردازد.

۲- اهمیت موضوع

چنان که اشاره کردیم، هدف ^{از بررسی} بررسی وضعیت جاری زندگی و تفکر سیاسی با تکیه بر مفاهیم قدرت، دانش و مشروعیت در دوره میانه است. در میان آثاری که در قلمرو اندیشه سیاسی در ایران و اسلام منتشر شده، کمتر نوشته‌ای است که توجه جدی به ماهیت این اندیشه از دیدگاه تحلیل‌گفتمان و مفاهیم نوین علوم تفسیری داشته باشد. در واقع، چنانکه یکی از نویسندگان معاصر بدرستی اشاره کرده است، بحران کنونی اندیشه و سیاست در جامعه ما بحران در بنیادها است و تا زمانی که نتوان بحث را از ظواهر به مبانی اعمال و افکار انتقال داد، در واقع امکان طرح پرسشهای ناظر به شرایط امروز نیز ممکن نمی‌نماید.

در دورانی که ما زندگی می‌کنیم، ادبیات سیاسی ما بیش از هر زمان دیگری، نه در جستجوی گریزگاه و گسست با سنت، بلکه نیازمند جایگاه و پایگاهی مناسب در سنت از یکسو، و تمهید انقلابی در درون همان سنت از طرف دیگر است، تا بتواند به غربال و باز پرداخت اساسی در ساحت اندیشه و سنت بپردازد. درست به همین دلیل است که گاهی اوقات، اقدام به کاری که قبلاً صورت نگرفته است، ضرورت پیدا می‌کند. تحقیق حاضر نیز یکی از کوششهای مقدماتی در این راستا است. به هر حال، از دیدگاهی که در اینجا دنبال می‌کنیم، تفکر امروز ما، هنوز تا حد معینی، همان

تفکر دیروز است و تلاش می‌کنیم از زاویه خاصی که در سطور آتی اشاره خواهد شد، به ارزیابی انتقادی این سنت بپردازیم.

۳- روش پژوهش (ایده‌های نظری)

مطالعات اندیشه سیاسی در دوره میانه از دیدگاه‌های متعددی انجام گرفته است. اما اکثر آنها به لحاظ معرفت‌شناسی، بر مبنای تقدم عقل بر اراده یا تقدم دانش بر عمل استوار بوده‌اند. و با فرض اصالت دانش و فراتاریخی بودن عقلانیت سیاسی مؤسس در این دوره، ساختار قدرت و عمل سیاسی در جامعه اسلامی را تابعی از ماهیت دانش فوق تلقی کرده‌اند.

این نویسندگان، با چنان موضع معرفت‌شناختی، ناگزیر به بازسازی تاریخ بخشی از اندیشه سیاسی و اندیشمندان دوره میانه اسلام پرداخته‌اند که از کندی و فارابی و ابن سینا تاکنون در قلمرو خرد فلسفی، و نیز از ابوالحسن اشعری و غزالی تا شریعتنامه‌های معاصر در علوم شرعی، به ایجاد کاخ بلندی از عقلانیت و اندیشه سیاسی همت گماشته‌اند. آنان، با فرض استقلال دانش و عقلانیت، و مسبوق بودن ساختار قدرت نسبت به آن، کوشیده‌اند با نقادی مبانی و هیأت تألیفی دانش سیاسی دوره میانه، راه برون رفتی از دایره اقتداگرایانه آن دانش و طبعاً سنت سیاسی آن ارائه دهند.

نتیجه این مقدمات، غفلت از تعداد قابل توجهی از اندیشه‌ها و اندیشمندانی است که بدلیل تعارض با سنت معرفت‌شناختی تقدم عقل بر اراده / دانش بر عمل، در حاشیه قرار گرفته و تاکنون نیز مورد توجه واقع نشده‌اند. دکتر دینانی در اشاره به این نوع از اندیشه و اندیشمندان که، بر عکس، بر تقدم قدرت و اراده نسبت به عقلانیت و دانش تأکید داشته‌اند، می‌نویسد:

«باید توجه داشت که آنچه این اشخاص در باب اراده ابراز می‌دارند غیر از آن چیزی

است که ابن سینا آن را بیان کرده و طی سالهای متمادی بسیاری از علماء از او پیروی

کرده‌اند. در نظر ابن سینا اراده مسبوق به علم و ادراک است در حالیکه طبق سخن این

اشخاص سابق بودن علم و ادراک بر اراده به هیچ وجه مطرح نیست. بعید نیست که بگوئیم

طبق نظر حکما دانستن بر خواستن ولی طبق عقیده برخی متکلمان خواستن بر دانستن تقدم

دارد. بر اساس سخن فلاسفه دانستن مؤدی به خواستن می‌شود ولی طبق نظر برخی

مقدمه. طرح تحقیق (۵)

متکلمان خواستن دانستن را بدنبال دارد. (ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام ۱۳۷۶ ص ۷۷)».

چنانکه دکتر دینانی اشاره می‌کند، در مقابل جریان بزرگی از اندیشه‌های اسلامی، که بر تقدم دانش بر قدرت تأکید می‌نمودند، اندیشه‌های دیگری نیز وجود داشته‌اند که بر تقدم قدرت و اراده بر دانش معتقد بوده‌اند. در پژوهش حاضر، بیشتر به بسط دیدگاه دوم و استفاده از نتایج نظری آن، در ارزیابی رابطه دانش سیاسی دوره میانه با مفاهیم قدرت و مشروعیت این دوران می‌پردازیم و البته از برخی دستاوردهای هم‌سنخ در مغرب زمین نیز بهره خواهیم جست.

به هر حال، بر مبنای دیدگاه دوم، که اسلوبی خاص از تاریخ‌نگاری و تفکر را نشان می‌دهد، نقش عمده و اساسی، مربوط به قدرت و اراده است و عقل و دانش صرفاً واسطه‌ای هستند که در خدمت تحقق اراده قرار می‌گیرند. این جریان فکری که عقل را تابعی از اراده و آنرا نیز تعبیری از نیازهای حیات و زندگی تلقی می‌کند، در میان اندیشمندان مسلمان دوره میانه اندیشمندان مهمی چون جاحظ، ثمامه بن اشرس، ابوسعید سیرافی و ابن‌خلدون و... داشته است. ولی اندیشه‌های آنان، تاکنون، بصورت یک نظام منسجم و منظم تدوین نشده است.

در عرصه پژوهش، لازمه اتخاذ مبنای دوم، وارونه‌سازی تمام تصورات و فرضیه‌هایی است که در دیدگاه نخست اصالت و استقلال خاصی داشتند. تردیدی نیست که وقتی اراده بر دانش و عمل بر نظریه مقدم شود، دانش و عقلانیتها (از جمله عقلانیت سیاسی دوره میانه) موقعیت فرا تاریخی خود را از دست داده، و از مقام «معیار حقیقت» و ملاک مشروعیت به «آئینه» تمام‌نمای قدرت در هر دوران تنزل می‌یابند. یک چنین تغییر در موضع معرفت‌شناختی، نتایج روش‌شناختی مهمی دارد که در سطور ذیل، به برخی از آنها بعنوان مفروضه‌های پژوهش حاضر اشاره می‌کنیم:

تأکید می‌کنیم که تحقیق ما در این باره که چرا در دوره میانه دانش سیاسی خاصی رایج شده و استمرار پیدا کرد؟ و نیز فاعلهای شناسایی، مفاهیم و استراتژیهای خاص آن دانش کدامها هستند؟ بلحاظ روش‌شناسی از سه منبع مهم الهام گرفته است:

نخست: اندیشه‌ها و آثار آن دسته از اندیشمندان مسلمان و متوحد دوره میانه که بر خلاف «سنت سینایی»، به تقدم اراده و قدرت، بر دانش و عقل، معتقد بودند. و بنابراین، محدودیت و تاریختی خاصی برای دانشها و معارف قائل بودند. این نویسندگان، ضمن اعتقاد به «وحی و